

عنوان‌های اصلی کتاب

۷ مقدمه - تقسیم عنوان‌ها
۱۱ بخش نخست - اقامه‌ی دعوا، دادرسی و تصمیمات (اعمال) دادگاه‌ها
۱۳ فصل نخست - اقامه‌ی دعوا
۱۴ مبحث نخست - دادخواست و شرایط آن
۶۶ مبحث دوم - جریان دادخواست تا جلسه‌ی دادرسی
۷۱ مبحث سوم - مواعد
۷۷ مبحث چهارم - ابلاغ و آثار دادخواست
۱۰۹ فصل دوم - دادرسی
۱۹۴ فصل سوم - تصمیمات (اعمال) دادگاه‌ها، انواع و آثار آن
۱۹۴ مبحث مقدماتی - تمایز اعمال (تصمیمات) دادگاه‌ها و وجه آن
۲۰۰ مبحث نخست - احکام
۲۲۸ مبحث دوم - شرایط
۲۵۵ مبحث سوم - اعمال (تصمیمات) حسبی
 مبحث چهارم - دستورهای اداری، گزارش اصلاحی و سایر اعمال دادگاه‌ها
۲۶۴ دادگاه‌ها
۲۷۳ بخش دوم - طرق شکایت از آرا
 فصل نخست - طرق غیر معمول شکایت از آرا، سابقه‌ی تاریخی، وضعیت کنونی
۲۷۸ مبحث نخست - طرق غیر معمول شکایت از آرا (سابقه‌ی تاریخی)
۲۷۸ (سابقه‌ی تاریخی)
۲۸۰ مبحث دوم - طرق غیر معمول شکایت از آرا (وضعیت فعلی)
۲۸۳ فصل دوم - طرق معمول شکایت از آرا
۲۸۳ مبحث نخست - طرق عادی شکایت از آرا
۲۸۴ گفتار نخست - واخواهی
۳۱۲ گفتار دوم - تجدیدنظر (پژوهش)
۳۸۰ مبحث دوم - طرق فوق‌العاده‌ی شکایت از آرا
۳۸۰ گفتار نخست - فرجام
۴۲۴ گفتار دوم - اعاده‌ی دادرسی
۴۶۳ گفتار سوم - اعتراض شخص ثالث
۴۸۴ فهرست تحلیلی عنوان‌ها
۵۰۰ واژگان
۵۰۴ نمایه‌ی قوانین
۵۱۹ جدول ارتباط مواذق. ق. با ق. ج.
۵۲۴ کتاب‌نامه

مقدمه - تقسیم عنوان‌ها

۱. «هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذی‌نفع یا وکیل یا قائم‌مقام یا نماینده‌ی قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند» (ماده ۲ ق.ج.).^(۱) بنابراین دادگاه در صورتی می‌تواند به دعوی رسیدگی نماید که از او درخواست شده، درخواست رسیدگی را شخص یا اشخاص ذی‌نفع مطرح نموده و چنین درخواستی برابر قانون به عمل آمده باشد. قواعد سه‌گانه‌ی مندرج در ماده ۲ مزبور از مهم‌ترین قواعد آیین دادرسی مدنی است که احترام به آن در تمام مقاطع و مراحل دادرسی و حتی در مرحله‌ی اجرای حکم تحمیل گردیده و بخش قابل توجهی از سایر مقررات آیین دادرسی مدنی، به گونه‌ای صریح یا ضمنی، اجرای قواعد سه‌گانه‌ی مزبور را تضمین و یا شیوه‌ی اجرای آنها را تعیین می‌نماید.

۲. در صورتی که برابر قانون درخواست رسیدگی شده باشد «... دادگاه پرونده را ملاحظه و در صورتی که کامل باشد پرونده را با صدور دستور تعیین وقت به دفتر اعاده می‌نماید تا وقت دادرسی (ساعت و روز و ماه و سال) تعیین و دستور ابلاغ دادخواست را صادر نماید...» (ماده ۶۴ ق.ج.). خواننده، وکیل، قائم‌مقام یا نماینده‌ی او، علی‌الاصول، در جلسه‌ی دادرسی حاضر شده و یا با فرستادن لایحه آنچه را که لازم می‌داند مطرح (ماده ۹۳ ق.ج.) و برای دفاع در برابر دعوی خواهان به هر دلیل مجازی استناد می‌نماید. خواهان، وکیل، قائم‌مقام یا نماینده‌ی او نیز با حضور در جلسه‌ی دادرسی یا فرستادن لایحه، آنچه را که لازم می‌داند و در این مقطع مجاز است مطرح می‌نماید؛ در حقیقت، نام برده در دادخواست آنچه را که لازم دانسته عرضه داشته و به ادله‌ی مورد نظر خود استناد نموده و علی‌الاصول، برای پاسخ به دفاعیات خواننده اقدام می‌کند.

۳. «پس از اعلام ختم دادرسی در صورت امکان، دادگاه در همان جلسه انشای رأی نموده و به اصحاب دعوا اعلام می‌نماید در غیر این صورت حداکثر ظرف یک هفته انشا و اعلام رأی می‌کند» (ماده ۲۹۵ ق.ج.). رأی دادگاه ممکن است حکم یا قرار باشد (ماده ۲۹۹ ق.ج.). حکم دادگاه، علی‌الاصول، حضوری است مگر در مواردی که قانون خلاف آن را پیش‌بینی کرده باشد (ماده ۳۰۳ ق.ج.).

۴. «محکوم علیه غایب حق دارد به حکم غیابی اعتراض نماید. این اعتراض وخواهی نامیده می شود...» (ماده ۳۰۵ ق.ج). «آرای دادگاه های عمومی و انقلاب در امور حقوقی قطعی است، مگر در مواردی که طبق قانون قابل درخواست تجدیدنظر باشد» (ماده ۳۳۰ ق.ج). مواد ۳۳۱ و ۳۳۲ ق.ج احکام و قرارهای قابل تجدیدنظر را شمارش نموده است. آرای دادگاه های نخستین و تجدیدنظر ممکن است قابل رسیدگی فرجامی باشد. آرای فرجام پذیر در مواد ۳۶۷ و ۳۶۸ ق.ج. پیش بینی شده است. «نسبت به احکامی که قطعیت یافته ممکن است... درخواست اعاده دادرسی شود...» (ماده ۴۲۶ ق.ج). شخص ثالث نیز «... حق دارد به هرگونه رأی صادره از دادگاه های عمومی، انقلاب و تجدیدنظر اعتراض نماید...» (ماده ۴۱۸ ق.ج).

۵. دادرسی در امور مدنی، بنابراین، در موضوعات کلی زیر خلاصه می شود:
ذی نفع (خواهان) چگونه درخواست رسیدگی نماید؟ خوانده چه دفاعاتی را، چگونه و در چه زمانی می تواند مطرح کند؟ دادگاه چگونه رسیدگی می کند و چه تصمیماتی می گیرد.

در بررسی هریک از پرسش های مزبور و پاسخ به آنها، روشن است که موضوعات مرتبط و به نسبت، جزئی دیگری نیز مطرح می شود که یافتن پاسخ شایسته مستلزم مطالعه ی آنها نیز می باشد.

۶. شخصی که درخواست رسیدگی می نماید باید دارای اهلیت و ذی نفع باشد که بی واسطه یا با واسطه اقدام می کند. بنابراین باید ضوابط و معیارهایی ارائه شود تا تشخیص شخص دارای اهلیت از کسی که اهلیت ندارد و ذی نفع از بی نفع ممکن گردد. مطالعه ی موضوع نمایندگی و قائم مقامی نیز در پاسخ به نخستین پرسش غیر قابل اجتناب است. این نکات در جلد نخست مطالعه شده است. اما در همین جا نیز تصریح گردد که رسیدگی دادگاه مستلزم این است که خود را صالح بداند. موضوع صلاحیت مرجع، نخستین بار در برابر خواهان قرار می گیرد که او نیز باید از بین واحدهای تشکیل دهنده ی سازمان قضای ایران مرجع صالح را مشخص نماید؛ این اقدام، علی القاعده، باید با توجه به نوع دعوا و محل اقامت خواننده، محل وقوع مال غیر منقول و یا... معمول گردد. این مهم مطالعه ی سازمان قضای ایران، انواع دعاوی و قواعد صلاحیت را می طلبد که در جلد نخست به آن پرداخته شد.

بنابراین آنچه در پاسخ به نخستین پرسش باقی می ماند شیوه ی درخواست رسیدگی

است که یکی از موضوعات این مجلد را تشکیل می‌دهد. قسمت عمده‌ی پرسش دوم نیز که همان دفاع یا پاسخ‌های خواننده است، در جلد نخست، پاسخ خود را یافته است.

اذا شیوه‌ی رسیدگی و تصمیم‌گیری دادگاه، انواع اعمال دادگاه‌ها و همچنین طرق شکایت نسبت به آنها نیز قسمت مهمی از موضوعات همین مجلد را تشکیل می‌دهد.

۷. حاصل آنکه ذی‌نفع، وکیل، نماینده یا قائم‌مقام او، در صورتی که مایل باشند دادگاه صالح به دعوی آنها رسیدگی نماید، باید رسیدگی به دعوا را «برابر قانون درخواست نموده باشند». دادگاه نیز، در صورتی که پرونده کامل باشد، نسبت به انجام دادرسی اقدام می‌نماید. بنابراین شیوه‌ی درخواست رسیدگی و همچنین رسیدگی دادگاه می‌بایست مورد مطالعه قرار گیرد. دادگاه در پی اعلام ختم دادرسی اقدام به صدور رأی می‌نماید. اما از یک سو در جریان دادرسی و پیش از اعلام ختم دادرسی نیز، دادگاه آرای را صادر می‌نماید و از سوی دیگر اعمال دادگاه منحصر به رأی نمی‌شود. بنابراین انواع اعمال مراجع قضایی، ماهیت و شیوه‌ی صدور آنها می‌بایست مورد بررسی قرار گیرد. موضوع بخش نخست این مجلد مطالعه‌ی مسائل مزبور است.

آرای دادگاه‌ها، به هر حال، کلاً یا جزئاً علیه یکی از اصحاب دعوا صادر می‌شود. از مهم‌ترین اصول دادرسی و از معروف‌ترین مشخصه‌های اعتبار هر نظام قضایی، پیش‌بینی حق متضرر از رأی در شکایت از آن است. طرق شکایت از آراء، بنابراین باید مورد مطالعه قرار گیرد. بخش دوم مجلد حاضر به آن اختصاص یافته است.

۸. اقامه‌ی دعوا و دادرسی که در پی آن آغاز می‌شود، از مهم‌ترین مقاطع دادرسی است. دعوای حقوقی از زمانی که ذی‌نفع قصد اقامه‌ی آن را می‌کند تا آنجا که دادگاه ختم دادرسی را، برای انشای رأی قاطع، اعلام می‌کند، مقاطعی را می‌پیماید که می‌بایست در اینجا مورد مطالعه قرار گیرد. رسیدگی دادگاه، علی‌الاصول، مستلزم «اقامه‌ی دعوا» و در واقع «تقدیم دادخواست» است. قضات دادگاه‌ها موظفند به دعوای اقامه شده رسیدگی نموده و حکم شایسته صادر نمایند. در فصل نخست و دوم این بخش به مطالعه‌ی شیوه‌ی اقامه‌ی دعوا و دادرسی پرداخته می‌شود. فصل جداگانه‌ای نیز به بررسی تصمیمات (اعمال) دادگاه‌ها اختصاص خواهد یافت.

فصل نخست - اقامه‌ی دعوا

۹. گفته شد که دعوا، از جمله به معنای «توانایی قانونی مدعی حق ترضیع یا انکار شده در مراجعه به مراجع صالح برای به قضاوت گذاردن وارد بودن یا نبودن ادعا و ترتب آثار قانونی مربوط است».^(۱) اقامه‌ی دعوا، در واقع، اعمال توانایی قانونی مزبور است و با «تقدیم دادخواست» به عمل می‌آید. دادگاه در صورتی می‌تواند به دعوی مدعی و یا جنبه‌ی مدعی امر کیفری رسیدگی نماید که دادخواست تقدیم شده باشد.^(۲) بدون تقدیم دادخواست دعوا اقامه نمی‌شود. در حقیقت «تاریخ رسید دادخواست به دفتر، تاریخ اقامه‌ی دعوا محسوب می‌شود» (قسمت آخر ماده ۴۹ ق.ج.). بنابراین لازم است مفهوم دادخواست و شرایط آن مورد مطالعه قرار گیرد اما در قانون آیین دادرسی مدعی مفاهیم مشابه دیگری نیز به کار رفته است که بررسی آنها، در مقایسه با دادخواست، نیز لازم به نظر می‌رسد. دادخواست، پس از تقدیم، آثاری دارد که منبسط به تبیین آن اقدام شود. خواننده باید از دعوی که علیه او به راه افتاده با خبر شود. این امر مستلزم ابلاغ دادخواست است.

۱- نک. ج. ۱، ش. ۴۹۱.

۲- «تاکنون دعوی الزام به تنظیم اجازنامه، دعوی مستقل است که به مستفاد از ماده ۷ قانون روابط موجر و مستأجر نیاز به طرح آن دارد. چون با توجه به مواد ۲ و ۷۰ قانون (قدیم) آیین دادرسی مدعی (مواد ۲ و ۴۸ ق.ج.) دادگاه بدون طرح و عنوان مذکور از طرف خواهان به صدور حکم مبادرت نموده تخلف دادرسی محسوب است.» دادنامه ی شماره ۲۱۰-۱۳۷۰/۱/۱/۲۴، شعبه ی اول د.ج.ا.ق.، کریم زاده، احمد. نظارت انتظامی در نظام قضایی، چاپ اول، انتشارات روزنامه‌ی رسمی کشور، تهران، ۱۳۶۸، ج. ۲، ص. ۲۵۳.

۳- «چون دعوی خلع بد و قلع مستحلان، دعوی مستقل است که باید طبق مقررات آیین دادرسی مدعی اقامه شود، صدور حکم از ناحیه ی رئیس دادگستری به خلع بد و قلع مستحلان در ضمن رسیدگی به دعوی جزایی، بر حسب ماده ۵ قانون راجع به مجازات اسلامی، برخلاف موازین قانونی متصوّر و ماده‌ی مزبور بوده و تخلف است.» دادنامه ی شماره ۵-۱۳۶۵/۴/۱۴/۶۹، شعبه ی اول د.ج.ا.ق.، منبع پیشین، ص. ۱۸۸.

۴- «مطلبه‌ی ضرر و زیان ناشی از جرم که طبق تبصره‌ی ماده ۱۶ قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ و شعبه پروان عالی کشور مصوب ۳۱ خردادماه ۱۳۶۸ در دادگاه کیفری مطرح می‌شود عنوان دعوی حقوقی دارد، شروع رسیدگی به دعوی حقوقی در دادگاه‌های دادگستری هم به صراحت ماده ۷۰ قانون (قدیم) آیین دادرسی مدعی (ماده ۴۸ ق.ج.) مستلزم دادن دادخواست است با شرایط قانونی آن می‌باشد. بنابراین...» رأی وحدت رویه ی شماره ۱۳۷۱/۱۲/۲-۵۸۲، هی.ج.د.خ. کده:م.ق.ر.، ر.ک.، سال ۱۳۷۱، ص. ۸۱۸.

مبحث نخست - دادخواست و شرایط آن

گفتار نخست - دادخواست، انواع و اصطلاحات مشابه آن

۱۰. به موجب ماده ۴۸ ق. ج. شروع رسیدگی در دادگاه مستلزم تقدیم دادخواست می‌باشد...؛ اما در هیچ یک از مقررات قانونی تعریفی از دادخواست ارائه نشده است. بنابراین، مفهوم این واژه باید مشخص شود. در عین حال، قانون جدید، مانند قانون قدیم، مصوب ۱۳۱۸،^(۱) انواع مختلفی از دادخواست را پیش‌بینی نموده که لازم است، آنها نیز، پیش از اصطلاحات مشابه، مورد بررسی قرار گیرد. اما مناسب است گفته شود که واژه‌ی دادخواست را فرهنگستان به جای واژه‌ی عرض حال^(۲) که از جمله در ماده ۱۸ ق. ا. م. ح.، مصوب ۱۳۲۹ قمری^(۳) به کار رفته بود تعیین نموده است.

بند نخست - مفهوم دادخواست

۱۱. به وسیله‌ی دادخواست «کسی که دادخواهی می‌کند (خواهان) طرف خود را به دادرسی می‌خواند (خواننده) یعنی او را به دادگاه دعوت می‌کند تا با حضور طرفین ترافع و احقاق حق به عمل آید.»^(۴) در این تعریف اگرچه برای به کارگیری دادخواست مشخص شده اما به مفهوم آن عنایتی نشده است.

قانون جدید، مانند قانون قدیم، دادخواست را در دو مفهوم متفاوت به کار برده است:

۱۲. مفهوم نخست - «دادخواست»، در لغت، مصدر مرکب «مخرج» «دادخواستن» است. «دادخواستن»^(۵) از جمله به معنای «دادخواهی کردن، عدالت طلبیدن، تظلم و...» آمده است.^(۶) «دادخواست»، در ماده ۴۸ ق. ج. (ماده ۷۰ ق. ق.) در همین مفهوم به کار رفته است؛ «شروع رسیدگی در دادگاه مستلزم تقدیم دادخواست می‌باشد...»؛ بنابراین به موجب این ماده شروع رسیدگی در دادگاه مستلزم دادخواهی کردن، عدالت طلبیدن یا تظلم است. پس در این مورد «دادخواست» در مفهومی متفاوت از «برگ دادخواست» به کار رفته و در

۱- م. م. د. ق. (پانزدهم)، ص. ۹۴.

۲- واژه‌های نوکه به تصویب فرهنگستان رسیده، تا پایان سال ۱۳۱۸، انتشارات انارهی فنی وزارت دادگستری، بی‌تا، بی‌جا، ص. ۶۱.

۳- م. م. د. ق. (اول و دوم)، ص. ۴۴۶.

۴- متین دفتری، مرحوم دکتر احمد آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۴۲، ج. ۲، ش. ۱۱۴، ص. ۵۹.

۵- دهخدا، مرحوم علی‌اکبر، لغت‌نامه، دوره‌ی ۱۴ جلدی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ج. ۶، ص. ۸۹۹۲.

۶- همان.

واقع به معنای دادخواهی کردن است.

۱۳. مفهوم دوم - دادخواست در بسیاری از موازق ج.، مانند ق. ق.، به معنای سندی آمده که حاوی دادخواست به مفهوم نخست است. در این مفهوم دادخواست سندی است که به موجب آن از دادگاه، دادخواهی می‌شود. در حقیقت «دادخواست باید به زبان فارسی در روی برگ‌های چاپی مخصوص نوشته شده...»^۱ و این «برگ» باید حاوی نکات مندرج در ماده ۵۱ ق. ج. باشد. بنابراین دادخواست، به مفهوم نخست، با تسلیم «دادخواست» به مفهوم دوم و یا تسلیم برگ دادخواست، با رعایت شرایط قانونی، به عمل می‌آید. «دادخواست» از جمله در مواد ۵۳ (بند ۱)، ۵۷، ۵۹ (جمله‌ی اخیر)، ۶۰ ق. ج. و... در مفهوم دوم به کار رفته است.^(۱)

بند دوم - انواع دادخواست

۱۴. دادخواست، دارای انواعی است که در قانون آیین دادرسی مدنی پیش‌بینی شده است:

۱۵. دادخواست نخستین و شکایت - دادخواست نخستین سندی است که به وسیله‌ی آن خواهان، با رعایت مقررات، با تسلیم ادعاها، ادله و خواسته‌ی خود به دادگاه نخستین، درخواست رسیدگی و صدور رأی نموده و موجب می‌شود که دادرسی، به مفهوم اعم و اژه، در این مرحله آغاز گردد (نک. ماده ۵۱ ق. ج.). دادخواست نخستین، بنابراین، در مقابل دادخواست شکایت از رأی یعنی دادخواست‌های واخواهی، تجدیدنظر، فرجام، اعاده‌ی دادرسی و اعتراض شخص ثالث به کار می‌رود.

۱۶. دادخواست اصلی و طاری - دادخواست اصلی سندی است که به موجب آن دعوای نخستین یا شکایت از رأی اقامه می‌شود. بنابراین نه تنها دادخواست نخستین بلکه دادخواست واخواهی، تجدیدنظر و... نیز اصلی شمرده می‌شود (نک. ماده ۱۳۱ ق. ج.). هر دادخواستی که در جریان دعوای اقامه شده تقدیم گردد، در صورت وحدت منشأ یا ارتباط کامل با دعوای اصلی، دادخواست طاری شمرده می‌شود و انواع مختلف آن بر

۱- در قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه واژه‌ی *La demande* در مفهوم دادخواستی کردن به کار رفته است. *L'assignation* نیز سندی است که توسط *L'huissier de La justice* (مأمور ابلاغ و اجراء) حسب مورد، به درخواست خواهان یا وکیل وی تنظیم می‌گردد که در واقع برگ دادخواست شمرده می‌شود. " *La demande initiale est formée par assignation* ... " (دادخواست ابتدایی به وسیله‌ی برگ دادخواست شکل می‌گیرد ماده ۵۴ ق. ج. آ. د. م. ف.). «برگ دادخواست سند مأمور ابلاغ و اجراء است که به وسیله‌ی آن خواهان رقیب خود را به حضور نزد قاضی می‌خواند.» ماده ۵۵ ق. ج. آ. د. م. ف. در ماده ۵۶ قانون مزبور نیز شرایط عمومی برگ دادخواست پیش‌بینی شده است.

اساس شخصی که آنها را تقدیم می‌نماید از هم متمایز می‌باشند. بنابراین دادخواست اضافی سندی است که به وسیله‌ی آن خواهان، دعوای دیگری، افزون بر دعوای پیشین، مطرح می‌نماید.^(۱) دادخواست متقابل سندی است که به وسیله‌ی آن خواننده‌ی اصلی علیه خواهان اصلی اقامه‌ی دعوا نموده و علی‌القاعده، کسب امتیازی غیر از ردّ ساده‌ی ادعای رقیب خود را درخواست می‌کند (نک. ج. ۱، ش. ۸۴۱). دادخواست جلب ثالث سندی است که به وسیله‌ی آن شخص ثالثی به دادرسی جلب می‌شود (نک. ج. ۳، ش. ۶۸) و بالاخره دادخواست ورود ثالث سندی است که به وسیله‌ی آن شخص ثالثی وارد دادرسی می‌شود^(۲) (نک. ج. ۳، ش. ۵۷). واژه‌های دادخواست اضافی و دادخواست طاری در قانون جدید به‌کار نرفته است؛ اما افزون بر اینکه دعوای طاری از جمله در مواد ۱۷ و ۱۸ قانون مزبور پیشینی شده است، دعوای اضافی در ماده ۱۷ همان قانون مورد اشاره قرار گرفته و طرح آن بلامانه است.

۱۷. **دادخواست کتبی شفاهی و تلگرافی - اصطلاح «دادخواست کتبی» و «دادخواست شفاهی» تنها در ماده ۵۰۳ ق. ج. به‌کار گرفته شده است.** اگرچه مواد ۴۹ به بعد و مخصوصاً ماده ۵۱ همان قانون کتبی این امر است که دادخواست باید به‌صورت کتبی تقدیم شود اما، با چشم‌پوشی از ماده ۵۱۳ ق. ج.، «دادخواست شفاهی» برخلاف «درخواست شفاهی» (ماده ۳۱۳ ق. ج.) و موارد استفاده‌ی آن در هیچ‌یک از دیگر مواد قانون پیش‌بینی نشده است. بنابراین باید پذیرفت که دادخواست، در هر حال، باید به صورت کتبی مطرح شود. «دادخواست تلگرافی» نیز که در ماده ۷۱ ق. ج. پیش‌بینی شده بود و در موارد فوری می‌توانست تقدیم شده و آثار قانونی بر آن مترتب گردد، در قانون

۱- نک. ج. ۳، ش. ۵۲.

۲- بر اساس قانون قدیم آیین دادرسی مدنی فرانسه، هر دادخواستی که برای نخستین بار موجب ایجاد رابطه‌ی حقوقی ترافع بین دو شخص گردد دادخواست اصلی نامیده شده است. بنابراین، نه تنها دادخواست نخستین، به مفهومی که گفته شد بلکه دادخواست‌های ورود ثالث و جلب ثالث نیز دارای چنین ویژگی است؛ اما دادخواست اضافی و متقابل، چون خواهان و خواننده‌ی آن از پیش درگیر دعوا شده بوده‌اند، دادخواست اصلی شمرده نمی‌شوند.

Jean Vincent et Serge Guinchard, *procédure civile*, Dalloz, Paris 1994, 23^e-6., n. 8. 138-139, pp. 117-118.

اصطلاح دادخواست اصلی در قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه، برخلاف قانون قدیم، به‌کار گرفته نشده است. لذا دادخواست نخستین که در قانون مزبور آمده است، در زبان حقوقی کشور ما نیز متداول می‌باشد و در ماده ۵۳ ق. ج. آ. د. م. ف. به همان مفهوم پیش‌بینی شده است. دادخواست‌های طاری، به‌طور کلی، در ماده ۱۳ قانون مزبور و دادخواست‌های متقابل، اضافی و ورود اختیاری و اجباری ثالث (ورود و جلب ثالث)، به ترتیب، در مواد ۶۴، ۶۵ و ۶۶ همان قانون پیش‌بینی شده‌اند. دادخواست جایگزین (*Subsidiaire*) نیز در قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه پیش‌بینی نشده است. دادخواست مزبور در مواردی تقدیم می‌گردد که دادخواست اصلی مورد قبول قرار نگرفته بود. در همین جا گفته شود که چنین دادخواستی در حقوق ایران، همواره بدون سابقه بوده است.

جدید مسکوت مانده و نمی‌تواند مؤثر شمرده شود و بنابراین در نواحی که برگ دادخواست (چاپی مخصوص) در دسترس عموم نباشد قانونگذار تکلیف دادخواهان را مشخص نموده است. در این نقاط، در برخورد با «برگ‌های غیرمخصوص»، بدترین راه‌حل این است که دادگاه به آن ترتیب اثر ندهد و دادخواهی را با مانعی روبه‌رو نماید که دادخواه در ایجاد آن دخالت و تقصیری نداشته است.

بند سوم - اصطلاحات مشابه دادخواست و آثار تفکیک آن

۱۸. قانونگذار، افزون بر دادخواست، اصطلاحات مشابهی را نیز به‌کار برده است. شناسایی مفهوم هریک از اصطلاحات مورد اشاره برای بررسی آثار آن لازم است.

الف - اصطلاحات مشابه

نخست - درخواست

۱۹. درخواست به مفهوم اعم - «درخواست» مصدر مرخّم درخواستن است که خود از جمله به معنای استدعا کردن و خواهش کردن آمده است.^(۱) «درخواست» بدین مفهوم، برای اینکه متحقق گردد می‌بایست به صورت مکتوب درآمده و یا به‌طور شفاهی مطرح شود. قانونگذار در مواد متعددی همین مفهوم اعم را مورد نظر داشته است؛ از آن جمله می‌توان به مواد ۱۲۴، ۲۰۹ و ۲۸۴ ق.ج. اشاره نمود.

در تمامی موارد مزبور، دعوا یا امری در دادگاه، از پیش مطرح بوده و درخواست اصحاب دعوا در خصوص موضوعات مربوط است؛ مانند اینکه یکی از اصحاب دعوا درخواست می‌نماید که مال بازداشت شده آزاد و مالی به عوض آن توقیف گردد (درخواست تبدیل تأمین) (ماده ۱۲۴ ق.ج.)؛ درخواست ابراز سندی می‌نماید که مدرک ادعای او در دعوی تحت رسیدگی بوده و نزد طرف مقابل است (ماده ۲۰۹ ق.ج.) و یا درخواست سوگند از طرف مقابل، در دعوی مطروحه، می‌نماید (ماده ۲۸۴ ق.ج.). درخواست، به مفهوم اعم، دقیقاً معادل تقاضا یا خواهش کردن^(۲) است؛ که حق بود مورد توجه قانونگذار قرار می‌گرفت. عملی که از دادگاه در پی درخواست، بدین مفهوم، صادر

۱- معین، مرحوم دکتر محقق، فرهنگ فارسی، چاپ چهارم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۵۰۷.
 ۲- در ماده ۲۵۷ ق.ا.م.ح آمده بود: «در صورتی که متقاضی طلبه نتوانسته باشد به واسطه‌ی کسی سناات استاد لازمه را حاضر کند، حق دارد تعویض جلسه را تقاضا کند و هرگاه محکمه این خواهش متقاضی طلبه را مقرون به صحت دانست جلسه‌ی دیگری معین می‌گردد.»